

**Presenting a model for realizing Islamic civilization creator culture
in the educational system (Grounded Theory)**

Received: 2021/4/21

Accepted: 2021/9/1

Gholamreza Vaisi* / Tahereh Muhammadi**

(213-241)

The purpose of this study was to achieve a pattern of Islamic civilization creator culture in the educational system. The Ground nature of the Islamic civilization creator culture requires that in order to achieve and develop it, first its specific processes and mechanisms be known. Therefore, this study sought to answer the question: "How Islamic civilization creator culture in the educational system?" For this purpose, qualitative research method, the method of Grounded Theory was used. In-depth interviews were conducted with Islamic civilization creator and Culture and Communications professionals who had experience and Author in the field of the study process and were selected by Targeted sampling method. Strauss and Corbin' content analysis method was used to analyze the data. Analysis of the interviews, as well as related documents and studies, led to the formation of the theory. The model obtained from this study shows that the causal factors that lead to the realization of Islamic civilization creator culture for educational system are initial assessment, transparency, value governance and curriculum, and society, organizational climate, Student available tools and organizational goals as environmental factors on the desirability of creating Islamic civilization creator culture in the educational system. Quality is effective that if the above things make the path to realization possible, strategies for Strengthening religious vigor, accompanied by change, media literacy, family empowerment, empowerment of managers and administrative staff, Tissue-based training, motivation, teacher empowerment and stakeholder participation, as a result of which Islamic civilization creator culture is formed.

Keywords: Islamic civilization creator culture, educational system, Grounded Theory.

*. Assistant Professor of Curriculum Planning, Imam Sadegh Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran - rezavaisi@gmail.com.

**.. Department of Educational Management, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabili University- mohammadi.12834@gmail.com.



الگوی تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی در نظام تربیتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۵

غلامرضا ویسی*

طاهره محمدی**

(۲۴۱-۲۶۸)

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، دستیابی به الگویی برای تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی در نظام تربیتی است. ماهیت زمینه‌ای فرهنگ تمدن ساز اسلامی در نظام تربیتی، ایجاب می‌کند که برای تحقق و توسعه‌ی آن، ابتدا فرایندها و سازوکارهای خاص آن، شناخته شوند. بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال بوده است که: «فرهنگ تمدن ساز اسلامی برای نظام تربیتی چگونه محقق می‌شود؟». برای این منظور از روش تحقیق کیفی، به شیوه نظریه برخاسته از داده‌ها استفاده شده است. مصاحبه‌های عمقی با متخصصین تمدن‌سازی اسلامی و فرهنگ و ارتباطات که در زمینه‌ی فرایند مورد مطالعه، صاحب اثر و تجربه بودند، صورت گرفت که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استراس و کوربین استفاده شد. تحلیل مصاحبه‌ها و همچنین اسناد و مطالعات مرتبط، منجر به شکل‌گیری نظریه شد. الگوی به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد، عوامل علی که منجر به تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی برای نظام تربیتی می‌شود، سنجش آغازین، حاکمیت ارزش و برنامه درسی است و جامعه، جو سازمانی و اهداف سازمانی، ابزار در دسترس دانشجو به عنوان عامل‌های محیطی بر مطلوبیت ایجاد فرهنگ تمدن ساز اسلامی موثر است که چنانچه امور فوق مسیر تحقق را امکان‌پذیر نماید، راهبردهای تقویت بنیه دینی، همراهی با تغییرات، سواد رسانه‌ای، توانمندسازی خانواده، توانمندسازی مدیران و کادر اداری، آموزش مبتنی بر بافت، انگیزش، توانمندسازی معلمان و مشارکت ذینفعان را پیش می‌گیرد که در نتیجه‌ی آنها، فرهنگ تمدن ساز اسلامی شکل می‌گیرد.

واژگان کلیدی: نظام تربیتی، فرهنگ تمدن ساز اسلامی، انسان چندساحتی، نظریه داده بنیاد.

* استادیار برنامه ریزی درسی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، ایران - rezavaei@gmail.com
** دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه محقق اردبیلی - mohammadi.12834@gmail.com

مقدمه

تعلیم و تربیت گرانباترین سرمایه یک کشور است و بهبود و کیفیت نظام تعلیم و تربیت، معادل ارتقا کیفیت حیات و تمدن انسانی در همه ابعاد است. آموزش و پرورش در پروراندن فرد و در بالنده کردن جمع نقش حیاتی دارد. مقصود از نظام تربیتی، مجموعه‌ای از مفاهیم و الگوهای رفتاری منسجم و سازمان یافته درباره تربیت است که بین آنها روابط متقابل جریان داشته و به اصطلاح از نوعی همبستگی درونی برخوردارند و بیانگر کیفیت و چگونگی تربیت، به طور اساسی و پایه‌ای می‌باشند (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۵). لذا اصولاً تربیت به فعالیتی منظم و مستمر اطلاق می‌گردد که در جهت کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و به طور کلی پرورش و شکوفایی استعدادهای آحاد جامعه حرکت می‌کند. و عامل انسان سازی است که باید ایجاد سازگاری بین زندگی مادی و معنوی را جا بیندازد و نیروهایی معنوی و اخلاقی و انسان‌هایی را که در دنیای امروز زندگی می‌کنند، تربیت کند که متناسب با جامعه امروزی باشند و برای این کار باید انسانی تربیت شود که گرایش‌های معنوی در او قوی‌تر از گرایش‌های نفسانی باشد و عقل او بر هوسش غلبه کند.

پویایی هر نظام تربیتی در این است که اصول، روش‌ها و کارکردهای خود را از حالت ایستا خارج کند و بتواند خواسته‌هایش را متناسب با دگرگونی‌های محیطی، شاداب و زنده نگه دارد. جوامع مختلف با توجه به ضرورت‌های فرهنگی خود برای نظام تعلیم و تربیت، اهداف و خط‌مشی‌های متفاوتی را انتخاب می‌کنند که در زمینه پویا نگه داشتن جامعه‌ای موثر است که در آن زندگی می‌کنند. اسلام نیز روش و ویژه‌ی خود را دارد که نشاندهنده طرح اسلام در ساختن و پرداختن انسان است که ناظر به رشد همه جانبه وی در بعد جسم، عقل و روان آدمی است (رحمانپور، ۱۳۹۰). در دنیای امروز، با پیشرفت دانش و تکنولوژی و هجوم فرهنگ‌های بیگانه از هر سو، نیاز وافر به درک صحیح تربیت دینی احساس می‌شود. عدم تحقق تربیت دینی و پاسخگویی به نیازهای معنوی نسل جدید، منجر به سردرگمی افراد و بروز آسیب‌های اجتماعی می‌شود. بنابراین، توجه به جلوه‌های مختلف فرهنگ و شناخت

نقشی که می‌تواند در بهبود تربیت دینی داشته باشد، حائز اهمیت است. اسلام دینی است که با توجه به جهان‌بینی برخاسته از متن قرآن و سیره نبوی و اولیای الهی، همه‌ی آنچه را که بشر برای تعالی خویش بدان نیازمند است در اختیارش می‌نهد که نظام تربیتی مبتنی بر تمدن اسلامی، مسیر تحقق این مهم است. تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی است. هر چند تمدن‌ها در طول زمان و مکان پویا و متحول بوده‌اند، ولی همواره بر مبنای فرهنگ خاص قرار داشته‌اند (بایلیس و اسمیت، ۱۹۹۷). تمدن اسلامی، تخصص همراه با تعهد معنا می‌شود. دانش‌افزایی، پیشرفت علمی و فناوری و اقتصاد در سایه مبانی و چارچوب‌های اسلامی. تمدن اسلامی، تمدنی است که همه‌ی مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام می‌چرخد. با توجه به همین پسوند پرمایه، دارای آغاز و انتها است (جان احمدی، ۱۳۹۹). و آنچه بهره تمدن اسلامی خواهد بود عبارت است از: شکوفایی اندیشه و اخلاق، فراگیر شدن فرهنگ اسلامی، اقتدار همه جانبه (سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی). نظام تربیتی، یکی از نظام‌های بنیادین در زندگی اجتماعی و انسانی است که زمینه‌ساز موفقیت انسان در همه‌ی ابعاد است. به همین خاطر این نظام، از جمله سازه‌های مهم تمدن به‌شمار آمده و نقش مهمی را در جغرافیای تمدن به خود اختصاص داده است. اهمیت تربیت و نظام تربیتی در نسبت با تمدن، به مسئله تربیت فردی و اجتماعی آحاد جامعه و مهیا کردن زمینه‌های موفقیت در سایر ابعاد، با زمی‌گردد؛ چه اینکه تمدن، برآیند ساختن جامعه‌ای نمونه و مدینه‌ای فاضله برای آسایش و رستگاری آحاد جامعه بشری به‌شمار می‌رود. از طرف دیگر بخش مهمی از این هدف، نیازمند تربیت صحیح فرد و جامعه است و این مهم بر عهده نظام تربیتی است. تحقیقات و تأملات متعددی که در زمینه جامعه‌شناسی و فلسفه علم انجام شده، نشان دهنده حضور مؤثر فرهنگ در محتوای علوم است؛ تمدن‌سازی اسلامی و مدیریت آن، یک چالش بزرگ برای نظام تربیتی است که به دنبال رهنمودهای کارآمد و شیوه‌ها و ابزارهایی که روند کار را تسهیل کنند، هستند. یکی از شیوه‌های کارآمد در این زمینه، فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی در نظام تربیتی است. فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی در نظام تربیتی، شامل نظام ارزش‌هایی برای ایجاد محیطی مناسب برای ایجاد و بهبود مستمر

تمدن‌سازی است. نظام‌های ارزشی شامل افکار، دیدگاه‌ها، جهت‌گیری‌ها، مسئولیت‌ها و روش‌های انجام کار است که توسط سازمان ایجاد شده و با توسعه، تسهیل شده، با خودآگاهی و باور گروه‌ها و افراد در سازمان پرورش می‌یابد (احمد و نولند، ۲۰۱۶). نقش فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی برای نظام تربیتی، ایجاد بستر مناسب برای تحقق هدف غایی تربیت انسان، بر اساس نظام ارزشی و اعتقادی اسلام که همان قرب الهی و خلیفه الهی است، می‌باشد. آنچه تبدیل به فرهنگ می‌شود، به عنوان فرآیندی برای بهبود مستمر نظام تربیتی تایید می‌شود و باعث ارتقا نظام تربیتی خواهد شد و با استقرار نظام تربیتی تمدن‌ساز اسلامی و ارتقا پداگوژی مبتنی بر تربیت اسلامی، استانداردهای آموزشی بالا و الگوی جهانی تبدیل شوند لذا ضرورت پرداختن به آن بیش از پیش تبیین می‌شود. از جمله مطالعاتی که در این زمینه صورت پذیرفته، در ذیل آورده شده است:

همت‌یار و همکاران (۱۳۹۷)، در مطالعه‌ای به بررسی میزان انعکاس مفاهیم "سبک زندگی تمدن‌ساز اسلامی ایرانی پیشرفت" در محتوای کتب دوره ابتدایی پرداختند، نتایج حاصل شده حاکی از آن بود که مفاهیم فرهنگی و هنری، اجتماعی و زیستی سبک زندگی تمدن‌ساز اسلامی ایرانی پیشرفت در کتاب‌های دوره ابتدایی به میزان کمی انعکاس یافته است که باید بیش از پیش مورد توجه متخصصان امر قرار گیرد.

محمدی پویا (۱۳۹۹)، در مطالعه‌ای خود به تربیت زمینه‌ساز تمدن‌نوین اسلامی با تاکید بر اندیشه مقام معظم رهبری پرداخت؛ نتایج نشان داد که معنویت، علم‌گرایی، اخلاق، عقلانیت، عدالت، وحدت‌گرایی، پیشرفت، مجاهدت مداوم و پویایی فرهنگ، تبیین‌کننده تربیت تمدن‌ساز اسلامی هستند

همانطور که مشاهده می‌شود، مطالعه‌ای در بحث فرهنگ‌سازی تمدن‌ساز اسلامی در تعلیم و تربیت صورت نگرفته است. توجه برنامه درسی ملی به مولفه‌های اعتقادی و اخلاقی که در کتب درسی دانش‌آموزان نمود یافته است، و استخدام نیروهای فرهیخته‌ی علمی و معتقد به اسلام و نظام اسلامی در آموزش و پرورش، انعکاس توجه به این مولفه‌ها در آموزش و درونی کردن آن در فرد است. اما خروجی تربیتی حاکی از آن است که در این

زمینه موفق عمل نکرده است و آنچه در جامعه در حال جریان است، نشان از سست اعتقادی و نزول اخلاق و خلاء دینی دارد که این نشان از آسیبی است که باید به آن توجه و مرتفع شود تا تربیتی که شایسته فرزندان ایران زمین است و ارتقا در تمامی جنبه‌های نیکوی شهروند خوب، حاصل گردد؛ که در چنین شرایطی کاهش چشم‌گیر آسیب‌های اجتماعی حاصل می‌گردد. یکی از مهم‌ترین تهدیدهای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، تهی شدن آن از همان هویتی است که انقلاب نظام بر اساس آن شکل گرفته است. مهم‌تر، انتقال درست آن به نسل‌ها و عصرهاست تا رنگ و غبار نگیرد یا رنگ عوض نکند. همچنین مهم‌تر از همه اینها قدرت بازآفرینی همان هویت در عصرها و نسل‌ها و در سطح جهانی است، این همه، ضرورت ادعای تمدنی است (سرپرست سادات، ۱۳۹۷). لذا تمدن‌سازی در نظام تربیتی باید درونی گردد و راه اجرایی آن، فرهنگسازی در این زمینه است؛ فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی در نظام تربیتی، ماهیتی زمینه‌ای دارد که برای تحقق و توسعه‌ی آن، ابتدا فرایندها و سازوکارهای خاص آن باید شناخته شوند که اطلاعات متقن و کافی در این زمینه وجود ندارد؛ و نیاز به نظریه پردازی در این زمینه است که این پژوهش بر آن است به روش داده بنیاد، الگویی برای تحقق فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی در نظام تربیتی ارائه دهد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف ارائه الگویی برای تحقق فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی در نظام تربیتی به روش نظریه داده بنیاد^۱ صورت پذیرفت. نظریه‌پردازی داده بنیاد، مستقما از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند. و یک روش پژوهش کیفی است که به واسطه سلسله رویه‌های منظم استقرایی، یک نظریه (الگوی مفهومی) تولید می‌کند و شامل سه مرحله‌ی اصلی کدگذاری باز، محوری و انتخابی برای توسعه الگو (نظریه) است (استراس و کوربین، ۲۰۰۸).

در کدگذاری باز: پژوهشگر نظریه داده بنیاد از داده‌ها از طریق جزء به جزء کردن

اطلاعات به شکل بندی مقوله‌های (طبقه‌ها) اطلاعات درباره‌ی پدیده مورد مطالعه می‌پردازد. پژوهشگر بر اساس داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها، مشاهده یادداشت‌های روزانه و یادداشت‌های فنی (حاصل از عملیات میدانی) مقوله‌های اصلی (طبقه‌ها) و مقوله‌های فرعی را مشخص می‌کند (بازرگان، ۱۳۹۹). که در این پژوهش نیز به همین طریق، ۱۳۹ مجموعه نشانگر استخراج شد و به عنوان گزاره مفهومی در جدول قرار گرفتند. در مرحله‌ی کدگذاری محوری: پژوهشگر یک مقوله‌ی کدگذاری باز را انتخاب می‌کند آن را (به عنوان مقوله یا پدیده اصلی) در مرکز فرایند مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس سایر مقوله‌ها که متشکل از شرایط علی (عواملی که مقوله اصلی را تحت تاثیر قرار می‌دهند)، راهبردها (اقداماتی که در رابطه با مقوله اصلی انجام می‌شود)، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر (عوامل محیطی و زمینه‌ای ویژه‌ای که راهبرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد) و عواقب (پیامدهای حاصل از راهبردها) است. که کد محوری این پژوهش، تحقق تحقق فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی در نظام تربیتی بود.

سومین مرحله از کدگذاری شامل کدگذاری گزینشی است. در این مرحله، پژوهشگر به تکوین نظریه‌ای درباره رابطه‌ی میان مقوله‌های به دست آمده در الگوی کدگذاری محوری می‌پردازد. به عنوان سطح اولیه این نظریه یک تبیین نظری از فرایندی است که مورد پژوهش قرار گرفته است. این امر تلفیق و پالودن نظریه است و از طریق به نگارش در آوردن حکایت گونه‌ی رابطه میان مقوله‌ها و با توجه به یادداشت‌های فنی شخصی پژوهشگر حاصل می‌شود. در این بیان حکایت گونه پژوهشگر ممکن است به این نکته اشاره کند که چگونه برخی عوامل، پدیده‌ی مورد نظر را تحت تاثیر قرار داده به طوری که با به کار گرفتن راهبردهای ویژه‌ی پیامدهای معین به بار آمده است. در این پژوهش، گزاره‌های مفهومی با توجه به ماهیت مشترک در خوشه‌های مفهومی مجزا دسته بندی شدند. به این ترتیب در این مرحله در نهایت ۲۳ مقوله‌ی به دست آمد. که فرایند تحقق تحقق فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی در نظام تربیتی را تبیین می‌کنند.

جامعه آماری، شامل متخصصان آموزش عالی و صاحب اثر و مطلعان در زمینه تمدن‌سازی

اسلامی و همچنین بررسی اسناد معتبر در زمینه‌ی مورد پژوهش، بود.

در تدوین الگوی فوق الذکر با این هدف که اطلاعات و مقوله‌های الگو از ذینفعان و ذیربطان اصلی به دست آید، جامعه مورد بررسی شامل دو گروه بود:

(۱) خبرگان دانشگاهی در حوزه از تمدن‌سازی اسلامی: خبرگان عبارت از افرادی بودند که در زمینه تمدن‌سازی، صاحب کتاب، مقاله علمی پژوهشی و طرح پژوهشی بودند. بر اساس جستجوی منابع اطلاعاتی و بررسی آثار و تألیف‌ها، ۲۰ نفر از خبرگان دانشگاهی تشخیص داده شدند.

(۲) خبرگان دانشگاهی حوزه فرهنگ و ارتباطات: شامل افرادی که دارای سابقه حداقل ۱۵ سال فعالیت در امور فرهنگی بودند و در این زمینه، دارای تخصص بودند. بر این اساس ۲۰ نفر از خبرگان فهرست شدند.

برای انجام تحقیق از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. زیرا باید اطلاعات از افرادی به دست می‌آمد که با فرایند تمدن‌سازی اسلامی و فرهنگ‌آشنایی داشتند و در این زمینه فعالیت فکری و عملی انجام داده یا تجربه زیسته داشتند. این افراد با هدف خاصی (آشنایی با ساختار و فرایند فرهنگ و تمدن‌سازی اسلامی) انتخاب شدند، پس به این دلیل نمونه‌گیری بر اساس هدف تحقیق شکل گرفت. بر این اساس مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته فرایند نمونه‌گیری پیش رفت و ابعاد مسئله مورد کاوش قرار گرفت. آنقدر مصاحبه‌ها با نمونه‌ها ادامه یافت تا پس از ۲۳ مصاحبه به حد اشباع نظری اطلاعاتی رسید. به عبارتی، مشارکت‌کنندگانی که در مرحله نهایی مصاحبه شدند، کدها و اطلاعات جدیدی ارائه نکردند. با این وجود، برای اطمینان مصاحبه‌ها ادامه پیدا کرد و با ۳۰ نفر مصاحبه انجام شد. انتخاب این افراد بر اساس ویژگی‌ها و شرایطی که در معرفی جامعه بیان شد صورت گرفت. همچنین اسناد معتبر در زمینه‌ی مورد مطالعه، مورد بررسی قرار گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها در این بخش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۱ بود. در این نوع مصاحبه، سؤال‌ها از قبل طراحی شده‌اند و هدف، کسب اطلاعات عمیق از مصاحبه‌شونده است و در آن هر پاسخ با سؤال‌های پیگیر مورد بررسی بیشتر قرار می‌گیرد و از مشارکت‌کننده با

سؤال خواسته می‌شود توضیح بیشتری در مورد پاسخ‌های خود بدهد. سوال‌های مطرح شده در این زمینه شامل پرسش در باب شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای تحقق تحقق فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی در نظام تربیتی بود.

برای اطمینان از پایداری ابزارهای گردآوری اطلاعات، از دو روش کدگذاری مجدد توسط کدگذار دوم و کدگذاری مجدد توسط خود کدگذار استفاده شد. پایداری بین کدگذاران از مفاهیم پرکاربرد است که به معنای میزان توافقی است که کدگذاران مستقل، هنگام ارزیابی ویژگی‌های یک پیام یا متن به دست می‌دهند (کوهن، مانیون و ماریسون^۱، ۲۰۱۱) که به آن توافق بین کدگذاران گفته می‌شود. بر مبنای پیشینه تحقیقات، در زمینه پایداری کدگذاری‌ها در مصاحبه‌های پژوهشی، پر استفاده‌ترین و ساده‌ترین روش برای محاسبه پایداری بین کدگذاران، ضریب توافق درصدی است که مقادیر بالای ۰/۷۰ مطلوب گزارش شده است (خواستار، ۱۳۸۸).

در ارتباط با پایداری نیز، از روش توافق یا همخوانی بین دو نفر استفاده شده است. به همین منظور، برخی مصاحبه انجام گرفته در اختیار یکی از متخصصان قرار داده شد و کدگذاری توسط این فرد انجام گرفت. پس از انجام این کار، همخوانی بین دو کدگذار محاسبه گردید. ضریب توافق به دست آمده از دو کدگذار ۰/۹۱ می‌باشد که حاکی از توافق و همخوانی بالا و نیز ضریب پایداری مناسب می‌باشد.

بعد دیگر در تعیین میزان کارآمدی ابزار، روایی است. در پژوهش‌های کیفی به جای واژه روایی از واژه‌های دقت^۲ و صحت^۳ داده‌ها استفاده می‌شود. گوبا و لینکلن (۲۰۰۳)، نقل از هالوی و ویلر^۴ (۲۰۱۰). چهار روش را برای تأیید صحت و درستی داده‌ها پیشنهاد کرده‌اند که از سوی بسیار از پژوهشگران کیفی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این چهار روش عبارتند

-
1. Cohen, Manion & Morrison
 2. rigor
 3. trustworthy
 4. Holloway & Wheeler

از اعتبار^۱، قابلیت اطمینان^۲، تأییدپذیری^۳ و انتقالپذیری^۴ که در این مطالعه بر رعایت آن‌ها به شرح ذیل سعی شده است. برای اعتبار مطالعه می‌توان از روش‌های مختلف مانند درگیری طولانی مدت، مشاهده مداوم، سه‌سوسازی^۵، پرسش و جستجوگری از همکاران^۶ و کاوش به وسیله افراد مطالعه^۷ استفاده کرد (هالوی و ویلر، ۲۰۱۰). در این پژوهش، از سه روش درگیری طولانی مدت، پرسش و جستجوگری از همکاران و کاوش به وسیله متخصصین علوم تربیتی و تمدن‌سازی اسلامی، استفاده شد.

یافته‌ها

در تحلیل سؤال‌های مصاحبه‌ها، بر اساس مراحل استراس و کوربین^۸ (۲۰۰۸)، مضمون‌هایی پدیدار شدند که همگی پیرامون نظرات و تجربیات مصاحبه‌شوندگان در زمینه تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی در نظام تربیتی بود. بعد از انجام هر مصاحبه، جملات معنی‌دار در تک تک مصاحبه‌ها مشخص شدند و کدها استخراج شد. کدگذاری هر مصاحبه به طور مجزا اما سازماندهی طبقات با توجه به وجوه مشترک بین مصاحبه‌ها انجام شد. سپس بازخوانی و بازنگری کدها منجر به حذف کدهای تکراری و ادغام برخی از کدها شد. برخی طبقه‌ها به زیرطبقه‌ها تقسیم و برخی طبقه‌ها در هم ادغام شدند. پس از کدگذاری محوری مفاهیم شناسایی شده در شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها در ارائه‌ی نظریه‌ای برای تحقق تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی در نظام تربیتی، مطرح شد که جزئیات آن در جدول ۱ ارائه شده است.

-
1. credibility
 2. dependability
 3. conformability
 4. transferability
 5. triangulation
 6. peer debriefing
 7. member check
 8. Strauss & Corbin

**جدول ۱: شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، راهکارها
و پیامدهای تحقق فرهنگ تمدنساز اسلامی در نظام تربیتی**

مفاهیم	مقولات	
ویژگی دانش آموزان	سنجش آغازین	شرایط علی
ویژگی معلمان		
ویژگی مدیران		
سبک رهبری آموزشی		
مدیریت آموزشی		
گرافیک محیطی		
امکانات		
منابع انسانی		
قوانین و مقررات		
بودجه و اقتصاد آموزش و پرورش (منابع مالی)		
تحولات محیطی	برنامه درسی	
نیازهای فردی		
نیازهای اجتماعی		
چندساحتی		
صراحت و وضوح		
قابل اجرا		
قابل سنجش		
واقع نگری		
انطباق با اسناد		
مشارکت		
اصالت و غنای منابع		
جذابیت و برانگیزانندگی		
به روز بودن		
کشف کنندگی و جستجوگری		
انعطاف پذیری		
خلاقانه		
اعتمادزایی	حاکمیت ارزش	

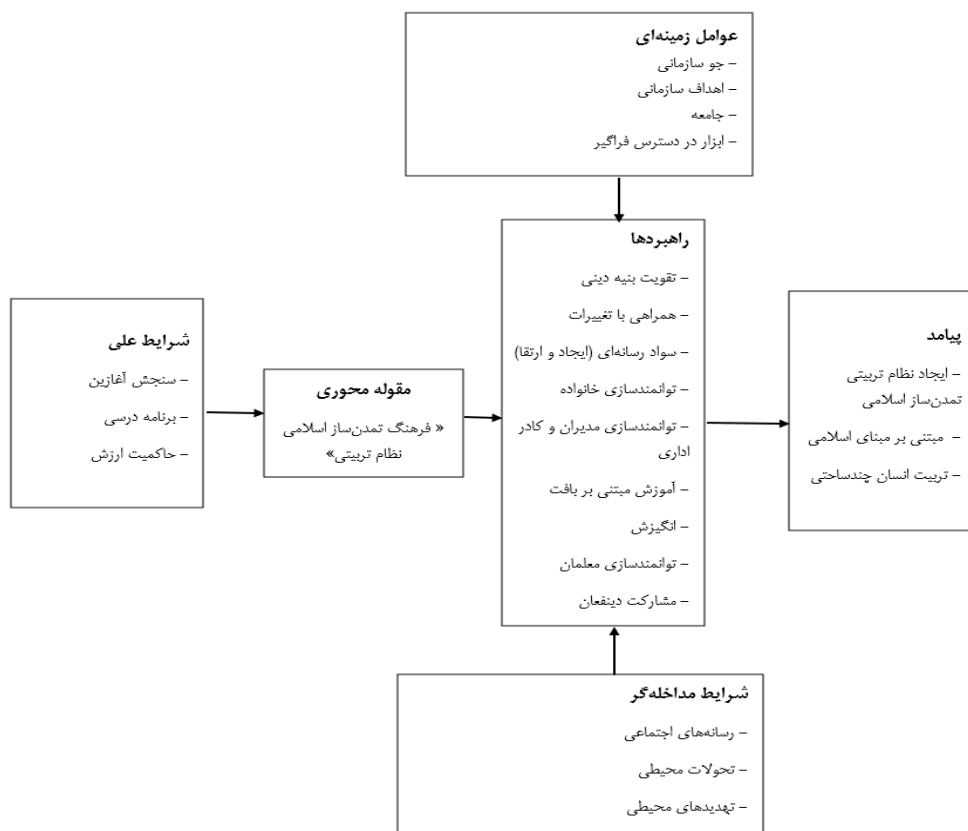
توجه به جایگاه علم و عالم		
توسعه عدالت اجتماعی		
مشارکت		
پویایی		
اخلاق مداری		
دین محوری		
مدیریت جهادی		
ترویج سبک زندگی اسلامی		
حفظ کرامت انسانی		
امانتداری		
قانون مداری		
خداحاضری و خدا ناظری		
نظارت همگانی		
تمرکززدایی	جو سازمانی	عوامل زمینه‌ای
فرهنگ پشتیبان توانمندساز		
معنویت ایجاد شده توسط مدیریت		
قوانین و مقررات انعطاف‌پذیر		
قوانین مشوق		
مقررات و رویه‌های وضع شده به صورت مشارکتی		
اعتماد میان کارکنان، مدیران و مراجعین		
محیط کاری آرام با نشاط		
لذت از کار و معناداری آن در سازمان	اهداف سازمانی	
متناسب با مبانی ارزشی		
تحقق‌پذیری		
متناسب با ساختارهای اجتماعی		
مشارکت ذینفعان در تعیین اهداف	جامعه	
نظام سیاسی		
نظام اقتصادی		
نظام فرهنگی		
وضعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی خانواده‌ها		

ابزار در دسترس فراگیر	فضای مجازی	شرایط مداخله‌گر
	بازی‌های رایانه‌ای	
	فضای مجازی	
رسانه‌های اجتماعی	ماهواره	
	بازی‌های رایانه‌ای	
	سینما	
	تلویزیون	
	تئاتر	
	ماهواره	
	رادیو	
تحولات محیطی	ملی	
	منطقه‌ای	
	بین‌المللی	
تهدیدهای محیطی	ملی	
	منطقه‌ای	
	بین‌المللی	
فرصت‌های محیطی	ملی	
	منطقه‌ای	
	بین‌المللی	
تقویت بنیه دینی	توان به‌کارگیری ارزش‌های معنوی و دینی برای ارتقای سلامت روحی و روانی دانش‌آموزان، خانواده‌ها و همکاران	راهنم‌ها
	پیش‌بینی تغییرات	
	استقبال از تغییرات	
	پیشگامی در تغییرات	
	آموزش استفاده از رسانه‌ها و فضای مجازی	
	آگاه‌سازی در رابطه با جنگ نرم	
	آگاه‌سازی نسبت به بازی‌های رایانه‌ای	
سواد رسانه‌ای (ایجاد و ارتقا)	آموزش تولید محتوای، ارزش‌های دینی و اسلامی در جهت پیشگیری، درمان و مقابله با جنگ نرم	
وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دوستان		

ارزیابی مستمر سطح سواد رسانه‌ای		
به روز کردن اطلاعات رسانه‌ای		
ایجاد شبکه ی اطلاع رسانی		
ایجاد ساختار مناسب آموزش و توانمندسازی خانواده	توانمندسازی خانواده	
طراحی و ارائه‌ی برنامه آموزش و توانمندسازی خانواده		
اجرای مطلوب برنامه آموزشی و توانمندسازی خانواده		
مدیریت بر خود	توانمندسازی مدیران و کادر اداری	
آموزش‌های متناسب و جدید		
اشتراک دانش		
افزایش اختیارات		
آگاه کردن از نادانسته‌ها		
مهارت‌های حل مساله		
مبتنی بر نظام سیاسی	آموزش مبتنی بر بافت	
مبتنی بر نظام اقتصادی		
مبتنی بر نظام فرهنگی		
مبتنی بر وضعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی خانواده‌ها		
مبتنی بر وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دوستان		
ارائه تصویر مطلوب از انسان تربیت یافته در تمدن اسلامی	انگیزش	
ارائه راهکارهای وضع مطلوب		
ارائه نتایج و پیامدهای مطلوب		
ارائه الگوهای تربیت یافته اسلامی		
آموزش ضمن خدمت	توانمندسازی معلمان	
ارزیابی مداوم مربیان		
تشویق به تحقیق و پژوهش در این زمینه		
تشویق مربیان نوآور در این زمینه		
دولت	مشارکت ذینفعان	
موسسه		
مدیران		
مربی		
فراگیر		

ایجاد نظام تربیتی تمدن‌ساز اسلامی	استقرار ارزش‌های دینی
	استقرار ارزش‌های انسانی
	تقویت باورها
	ارزش‌های تخصصی
	تعهد درونی اساتید
	ایجاد علاقه‌ی یادگیری
	تقویت توانایی درونی یادگیری دانشجویان
	محاسبه‌ی نفس
	دو بعدی بودن
	نوآوری و خلاقیت
	باز اندیشی انتقادی
	آخرت گرایی
	تربیت انسان خدامحور
	تربیت انسان عدالت محور
	سواد سیاسی
	سواد اقتصادی- حرفه‌ای
	سواد اجتماعی
	سواد فرهنگی- هنری
	سواد زیست محیطی
	سواد دینی
	سواد بهداشتی
	سواد اخلاقی
	سواد میان فرهنگی (جهانی)
	سواد فناوری

در نهایت پس از احصای اقدامات و سیاست‌های متناسب با مؤلفه‌های استخراج شده، در راستای راهکارهای تحقق فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی در نظام تربیتی، الگوی مذکور ترسیم شد (نمودار ۱).



شکل ۱: الگوی نهایی تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی برای نظام تربیتی

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف طراحی الگویی به منظور تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی در نظام تربیتی انجام شد. نتایج پژوهش حاصل شده از کدگذاری به روش داده بنیاد، مقوله و مفاهیمی را به عنوان شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبرد و پیامدها نشان داد که منجر به ارائه الگویی در زمینه تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی در نظام تربیتی گردید که در ذیل به شرح هریک از مقوله‌ها، پرداخته شده است:

- شرایط علی در فرایند تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی:

سنجش آغازین: بررسی روایت‌های نمونه‌ها، نشانه‌های زیادی از ویژگی دانش آموزان، ویژگی معلمان، ویژگی مدیران، سبک رهبری آموزشی، مدیریت آموزشی، گرافیک محیطی،

امکانات، منابع انسانی، قوانین و مقررات و بودجه و اقتصاد آموزش و پرورش (منابع مالی) مشاهده شد؛ بهبود و گسترش فرهنگ کیفیت در دانشگاه نیز، حاکی از ضرورت نیازسنجی مداوم و روش‌مند و مشارکتی است. تحلیل داده‌ها حاکی از این است که برای استقرار فرهنگ کیفیت، سنجش آغازینی از موارد ذکر شد نیاز است.

برنامه درسی: در بررسی داده‌ها، شواهد زیادی مانند تحولات محیطی، نیازهای فردی، نیازهای اجتماعی، چندساحتی، صراحت و وضوح، قابل اجرا، قابل سنجش، واقع‌نگری، انطباق با اسناد، مشارکت، اصالت و غنای منابع، جذابیت و برانگیزانندگی، به روز بودن، کشف‌کنندگی و جستجوگری، انعطاف‌پذیری، خلاقانه، استخراج شد. این ۱۶ مفهوم در مجموع به عنوان مقوله برنامه درسی شناسایی شدند. چرا که بر عناصر اصلی برنامه درسی از جمله محتوا تاکید داشتند. مسئولیت اجتماعی نظام تربیتی بر ایجاد پیوند میان دانش تولید شده در زمینه و بسترکاربست آن و نیازهای محلی، ملی و جهانی دلالت دارد. هدف اصلی از این مسئولیت، ارتقای سودمندی اجتماعی از دانش و در نتیجه کمک به بهبود کیفیت زندگی است. به طور کلی مسئولیت اجتماعی نظام تربیتی، طیف وسیعی از اعمال و فرایندهایی را شامل می‌شود که برای پاسخ به نیازهای محیط به شیوه‌ای مناسب و مؤثر تلاش می‌کند. لذا به منظور تحقق، بهبود و توسعه‌ی فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی، شایسته است که محتوای آموزشی به‌روز، مساله محور و خلاقیت‌پرور شوند و و منطبق با استانداردهای معتبر جهانی و رضایت‌مندی ذینفعان را مطمح نظر داشته باشد.

حاکمیت ارزش: از بررسی داده‌ها، اعتمادزایی، توجه به جایگاه علم و عالم، توسعه عدالت اجتماعی، مشارکت، پویایی، اخلاق‌مداری، دین‌محوری، مدیریت جهادی، ترویج سبک زندگی اسلامی، حفظ کرامت انسانی، امانتداری، قانون‌مداری، خداحاضری و خداناظری، نظارت همگانی مشاهده شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که به واسطه‌ی حاکمیت ارزش‌ها، راه تحقق فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی هموار می‌گردد. ارزش‌ها ایده‌آل‌های انتزاعی هستند که به عنوان اصول هدایت‌گر در مدیریت یک موسسه یا یک گروه عمل می‌کند (پانت

و اوجها، ۲۰۱۷). به زعم جیمز^۲ (۲۰۱۴)، رهبری ارزش ها نفوذ گسترده ای بر فرآیندها و ویژگی های کلیدی سازمان دارند. برخی ارزش ها با تعهد سازمانی، رفتار شهروندی، رضایت شغلی، عجزین شدن با کار، اعتماد، آمادگی برای تغییر و عملکرد، خستگی کمتر، عملکرد تیمی، تناسب فرد- سازمان، یادگیری و یکپارچگی سازمانی ارتباط مثبت دارند که مدیریت جهادی از آن جمله است؛ مدیریت جهادی سبکی از مدیریت است که استوار بر ارزش های اسلامی است. همانگونه که جهاد به معنای کوشش تمام و همه جانبه برای رسیدن به هدف است، مدیریت جهادی نیز نوعی مبارزه و تلاش مقدس برای حذف استثمارگری و استبداد می باشد که به دنبال ایجاد فضای نوع دوستانه و ارزش محور بر مبنای اصول اسلامی برای اعضا سازمان و حذف محرومیت های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و صنعتی جامعه می باشد. در این سبک از مدیریت، هدف ایجاد بستری مناسب برای رشد کارکنان و در نتیجه رسیدن به قرب الهی است (قائدعلی و عاشوری، ۱۳۹۱، به نقل از لطیفی و سعدآبادی). این مدیریت با هدف قرب الهی و کسب رضای خداوند، و بر اساس ارزش های اسلامی و به نوعی برگرفته از مدیریت اسلامی است که تعهد، روحیه کار داوطلبانه، خودباوری و سخت کوشی از مفهوم های محوری این مدیریت است. که در مسیر تحقق فرهنگ تمدن سازی اسلامی در نظام تربیتی، مدیریت جهادی در حاکمیت ارزش ها می تواند مثر ثمر باشد. همچنین ترویج سبک زندگی اسلامی در تمام شئون زندگی و برای همه ی اقشار و اصناف جامعه، می تواند الگویی مطلوب در این زمینه باشد. از بدیهیات سبک زندگی اسلامی، حاکمیت فضائل اخلاقی، دوری از رذائل اخلاقی می باشد.

- شرایط زمینه ای در فرایند تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی

جامعه: تمامی روایت ها نشان دادند که نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی، وضعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی خانواده ها، وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دوستان، موثر بر الگوی تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی است. و از عوامل مهم

1. Pant & Ojha

2. James

اثرگذار بر راهبردها می‌باشد. نظر به اینکه، یادگیری در خلاء اتفاق نمی‌افتد و لازمه‌ی آن ارتباط با بافت و محیط است، لذا مشارکت جامعه مدنی و ذینفعان و در نظر گرفتن و پاسخگویی به خواسته‌های اساسی آنها، تحقق عدالت، امنیت و توسعه پایدار را منجر شود.

جو سازمانی: در بررسی روایت‌ها و داده‌های مشاهده‌ای، شواهدی مانند: تمرکززدایی، فرهنگ پشتیبان توانمندساز، معنویت ایجاد شده توسط مدیریت، وجود قوانین و مقررات انعطاف‌پذیر، وجود قوانین مشوق، وجود مقررات و رویه‌های وضع شده به صورت مشارکتی، اعتماد میان کارکنان، مدیران و مراجعین، محیط کاری آرام و بانشاط، لذت از کار و معناداری آن در دانشگاه به دست آمد. یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های مدیران کارآمد در سطوح مختلف سازمانی، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی است تا با حس مسئولیت و تعهد کامل، اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند. تحلیل داده‌ها نشان دادند مدل تحقق فرهنگ تمدنساز اسلامی، برای بسترسازی چنین جوی، سبک رهبری توزیعی را می‌طلبد که ضمن حمایت همه جانبه و اعتماد، فضای دموکراسی، مشارکتی و باز را فراهم آورده که منجر به محیط کاری آرام و شاداب و خلاقیت پرور و در نهایت ارتقا کیفیت گردد.

اهداف سازمانی: تحلیل داده‌ها نشان داد که تناسب اهداف سازمانی با مبانی ارزشی، تحقق‌پذیری، متناسب با ساختارهای اجتماعی، مشارکت ذینفعان در تعیین اهداف برای تحقق فرهنگ تمدنساز اسلامی ضروری است.

ابزار در دسترس دانشجو: تحلیل روایت‌ها حاکی از آن بود که فضای مجازی و بازی‌های رایانه‌ای نیز از عامل‌های دیگر اثرگذار و قابل اعتنا برای تحقق فرهنگ تمدنساز است. امروزه فضای مجازی، به یک فضای زیستن تبدیل شده است و نقش برجسته‌ای در تنظیم سبک زندگی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تربیتی انسان دارد. تاثیری که می‌تواند هم جنبه مثبت و هم جنبه منفی در جنبه‌های فوق الذکر و موضوع پژوهش حاضر، داشته باشد. از تاثیر و پیامدهای مثبت استفاده از این فضا به منظور

فرهنگسازی تمدن اسلامی، می‌توان به افزایش کارآمدی فرایند تربیت و تبلیغ دین با خلاقیت، تنوع و جذابیت محتوای تربیتی در این فضا و، تسهیل اشتراک دیدگاه‌های عالمانه در حوزه تمدن‌سازی اسلامی، برشمرد. از جانی در این زمینه به پیامدهای منفی این رسانه توجه کرد که ضمن کنترل آن، راهکاری برای خنثی سازی آن ارائه داد. از پیامدهای منفی این فضا می‌توان به تحدید جایگاه خانواده در تربیت، کاهش مسئولیت‌پذیری در قبال رفتارهای خود، تقویت نسبی بودن اخلاق و حاکمیت عقلانیت ابزاری، الگوهای نامطلوب تربیتی در فضای مجازی و روحیه مصرف‌گرایی اشاره کرد. بازی‌های رایانه‌ای نیز به دلیل بهره‌مندی از قابلیت‌های تعاملی و ظرفیت‌هایی در جهت امکان مشارکت کاربر در سیر تکامل بازی، به رسانه‌ای تاثیرگذار برای فرهنگ‌سازی و تغییر و ارتقای نگرش کاربرانش تبدیل شده است و به دلیل علاقه افراد به این پدیده، به ابزاری برای هویت‌سازی و تاثیرگذاری فرهنگی و ارزشی تبدیل شده است. لذا به دلیل استفاده گسترده کاربران بازی رایانه‌ای که عمده آنها مشغول به تحصیل در نظام تربیتی هستند، میتوان این ابزار و این فضا را وسیله‌ای برای نیل به فرهنگ‌سازی تمدن اسلامی تبدیل کرد که جزئی از پداگوژی نظام تربیتی باید قرار گیرد و طراحی پیام و مواد آموزشی جذاب و آموزنده که قابلیت رقابت با بازی‌های ضد ارزشی باشد، در راس تدارکات تربیتی قرار گیرد.

شرایط مداخله‌گر در فرایند تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی

رسانه‌های اجتماعی: روایت‌ها نشان دادند، فضای مجازی، ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، سینما، تلویزیون، تئاتر، ماهواره، رادیو، در تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی می‌توانند مداخله کنند. رسانه‌ها به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی، کارکرد انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی و ارزش‌های جوامع را بر عهده دارند و در عصر کنونی با توجه به نقش بارزی که در جامعه و موضوعات فرهنگی اجتماعی ایفا می‌کنند، سعی دارند الگوهای نوینی را بر جوامع تحمیل کنند. بنابراین می‌توان گفت که افراد نه تنها از این فناوری برای پیشبرد مقاصدشان استفاده می‌کنند بلکه فناوری نیز افراد را منطبق با قواعد خاص و نحوه عملکرد خود تغییر می‌دهد (رسول‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۴). در جوامع اسلامی این چالش‌ها با

شدت بیشتری دنبال می‌شود، زیرا فرهنگ اسلامی آداب مخصوص به خود را خواستار است و از سوی دیگر، فرهنگ ملی نیز اغلب با سبک‌های نوین زندگی که از طریق تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی تبلیغ می‌شود، مغایر است.

تحولات، تهدیدها و فرصت‌های محیطی: بررسی داده‌ها نشان داد که به دلیل متاثر بودن نظام تربیتی از بافت و محیط، و تعاملی بودن فرهنگ، هرآنچه در سطح ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی، در جریان است، در شکل‌های مختلف: تحول، تهدید یا فرصت در همه‌ی جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند بر تحقق فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی در نظام تربیتی، ایفای نقش کند.

راهبردها در فرایند تحقق فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی

تقویت بنیه دینی: انسان همواره در جستجوی چیزی ماورای خود بوده تا با تکیه بر آن به امنیت و اعتماد پایدار دست یابد و برایش همیشه این پرسش مطرح بوده است که چگونه می‌تواند به زندگی خویش معنا بخشد؛ این معناجویی و معناخواهی یکی از نیازهای بنیادی انسان است که چنانچه به‌درستی هدایت شود به دین باوری و خداپرستی می‌انجامد. همانطور که کریمی (۱۳۸۴)، می‌گوید روانشناسان معناگرا در حوزه‌ی روان درمانی همان چیزهایی را در بهبود بیماری‌ها و اختلالات عاطفی و روانی انسان توصیه می‌کنند که احادیث و روایات دینی به شکل عمیق‌تر و جامع‌تر بر آن تأکید دارند. اگر زندگی آدمی در قلمرو «معنویت پویا» و «معناگرایی متعالی» در مدار دین ورزی و خداپرستی جریان یابد، شادی و نشاط باطنی که همان سعادت واقعی است نصیب انسان می‌شود. در این باره روان‌پزشکان بزرگی چون یونگ و ویلیام جیمز و اریک اریکسون، مذهب و کنش‌وری تعالی بخش آن را داروی شفا بخش روح و روان انسان می‌دانند و آرامش و اطمینانی که از طریق ایمان به خدا حاصل می‌شود به گونه‌ای است که هیچ عامل بیرونی توان از هم پاشیدن آن را ندارد (کریمی، ۱۳۸۴). داده‌های جمع‌آوری شده در این تحقیق نشان دادند که با به‌کارگیری ارزش‌های معنوی و دینی برای ارتقای سلامت روحی و روانی دانش‌آموزان، خانواده‌ها و همکاران، راه رسیدن به فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی، هموارتر می‌گردد.

همراهی با تغییرات: بررسی روایت‌ها نشان داد که پیش‌بینی تغییرات، استقبال از تغییرات، پیشگامی در تغییرات، به عنوان راهبردی در تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی است؛ امروزه تمامی ابعاد زندگی با شتابی بی‌مانند در حال تحول هستند. و برای بقا و پویایی خود، ناگزیر به نوآوری و تغییرات مستمر و دائمی است. دنیا به طور مداوم در حال تغییر و تحول است و به تعبیر دراکر یگانه امر ثابت در دنیای امروز تغییر است. قبول تحول و تحقق بخشیدن به تغییر یکی از مهم‌ترین مقتضیات بقا و رشد هر فرد و هر سازمان می‌باشد. بیورک^۱ (۲۰۰۲)، عنوان می‌دارد بر اساس نظریه عمومی سیستم‌ها که توسط کتز و کان^۲ در سال ۱۹۷۸ مطرح شد، سیستم‌های باز در حالت طبیعی تمایل به اضمحلال یا آنتروپی دارند. سیستم‌ها برای مقابله باید آنتروپی منفی داشته باشند. آنتروپی منفی از طریق ورود منابع جدید و بازخوانی و بازسازی فرایندها انجام می‌شود. لذا مدیریت در آموزش و پرورش پر مخاطره نامطمئن است و پاسخ حساس به نوسانات محیطی آینده را می‌سازد. بر مدیر است به منظور برنامه‌ریزی صحیح همگام با تغییرات و پیشرو در تغییر باشد و در این زمینه نیز با خلاقیت و نوآوری و رهبری به اقتضا، مدیریت شرایط را داشته باشد.

سواد رسانه‌ای (ایجاد و ارتقا): در روایت‌ها آموزش استفاده از رسانه‌ها و فضای مجازی، آگاه‌سازی در رابطه با جنگ نرم، آگاه‌سازی نسبت به بازی‌های رایانه‌ای، آموزش تولید محتوای، ارزش‌های دینی و اسلامی در جهت پیشگیری، درمان و مقابله با جنگ نرم، ارزیابی مستمر سطح سواد رسانه‌ای، به روز کردن اطلاعات رسانه‌ای، ایجاد شبکه‌ی اطلاع رسانی، مشاهده شد که به عنوان سواد رسانه‌ای و راهبردی در تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی شناخته شد. تعریف کمیسیون اروپا از سواد رسانه‌ای به این شرح است: «سواد رسانه‌ای توانایی دسترسی به رسانه‌ها، درک و ارزیابی انتقادی جنبه‌های مختلف و محتوای رسانه‌ها، جهت خلق ارتباطات در زمینه‌های گوناگون است. سواد رسانه‌ای مرتبط با تمامی رسانه‌هاست و شامل تلویزیون و فیلم، رادیو و ضبط و صدا، رسانه‌های چاپی، اینترنت و

1. Burke

2. Katz & Kahn

تمامی دیگر فناوری‌های ارتباطی دیجیتال جدید می‌شود» (یزدیان، ۱۳۹۰، ۶۹). جامعه امروز مملو از پیام‌های رسانه‌ای است. افراد در هیچ لحظه و مکانی از انواع پیام‌های رسانه‌ای در امان نیستند. در «دهکده جهانی» امروز، هر فرد به راحتی می‌تواند با تلفن همراه یا رایانه شخصی خود در زمانی کوتاه به اطلاعات روزآمد و جهانی در زمینه‌های گوناگون دانش بشری دست یابد. البته باید توجه داشت که امروزه مسئله اصلی، دسترسی به اطلاعات نیست؛ پردازش و درک تمامی پیام‌های رسانه‌ای روزانه و میزان زمانی کافی برای آن، انتخاب محتوای رسانه‌ای متناسب با ارزش‌های فرهنگی، سن و ویژگی‌های شناختی خصوصاً برای کودکان از پیچیدگی‌های دنیای رسانه‌ای امروز است که مستلزم سواد رسانه‌ای است. سواد رسانه‌ای به دنبال ارتقای مهارت مخاطب برای گزینش، تفسیر و نقد پیام هاست (هاشمی، ۱۳۹۳) و بهترین مکان و موقعیت برای این آموزش‌ها، مسیر تحصیلات در نظام تربیتی است که کودک را از سنین پیش دبستانی تا مقاطع بالای آموزش عالی همراهی می‌کند.

توانمندسازی خانواده: بررسی روایت‌ها حاکی از نیاز و لزوم ایجاد ساختار مناسب آموزش و توانمندسازی خانواده، طراحی و ارائه‌ی برنامه آموزش و توانمندسازی خانواده، اجرای مطلوب برنامه آموزشی و توانمندسازی خانواده، به عنوان راهکاری در تحقق فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی بود. پیوند مدرسه، خانواده و اجتماع در اثرگذاری تربیت بر همگان واضح است و آموزش و پرورش در صورتی به هدف خود نائل می‌گردد که جامعه و نهاد خانواده نیز همسو و هم جهت با اهداف آموزش و پرورش در تربیت فرزند کوشا باشد. مرزوقی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی به مطالعه الگوی مفهومی تعامل مدرسه، خانواده و مسجد از منظر تعلیم و تربیت اسلامی پرداختند و اذعان داشتند که فعالیت‌ها در این راستا، هماهنگ، هم جهت و همخوان نیست. نجفی و احمدی (۱۳۹۱)، نیز اذعان داشته‌اند: آن‌گونه که شایسته و بایسته است به خانواده به مثابه یک نهاد بنیادین و مرکز تربیت نسل و انتقال ارزش‌های اخلاقی و تربیتی در بخش‌های نظری سند و اصل سند تحول بنیادین توجه کافی نشده و راهکارهای اجرایی برای ایفای نقش و مشارکت در امور تحصیلی و تربیتی

فرزندانشان ارائه نشده است. تضعیف این جایگاه و سپردن نقش تربیت به دولت و مدرسه ممکن است زمینه ساز بسیاری از ناهنجاری های جامعه در زمینه اخلاق و رفتارهای اجتماعی باشد؛ لذا تصمیم گیران و تصمیم سازان، باید به جنبه های دیگر نظام تربیتی، یعنی مسائل گسترده ای مانند ایجاد یک فرهنگ و جو مناسب مرتبط با نیازهای مخصوص نظام تربیتی و اجتماع آن توجه کنند. دانش آموز عمده ی وقت خود را در منزل با خانواده و در جامعه و دوستان می گذرانند. همسویی خانواده در این زمینه، باعث هم افزایی اثربخشی فرهنگ تمدن ساز اسلامی می گردد و باید توانمندسازی خانواده ها مورد توجه قرار گیرد.

توانمندسازی: نتایج تحلیل ها حاکی از آن است توانمندسازی مدیران و کادر از طریق مدیریت بر خود، آموزش های متناسب و جدید، اشتراک دانش، افزایش اختیارات، آگاه کردن از ندانسته ها، مهارت های حل مساله، همچنین توانمندسازی معلمان از طریق آموزش ضمن خدمت، ارزیابی مداوم معلمان، تشویق به تحقیق و پژوهش در این زمینه راهبردهای برای تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی هستند.

آموزش مبتنی بر بافت: هر جامعه برای اداره امور زندگی خود نیازمند ارائه تعلیم و تربیتی متناسب با الگوها و نیازهای زندگی نسل خود است. بوش (۱۳۹۹) به نقل از بوتری^۱ (۲۰۰۴)، اذعان می دارد در بحث جهانی سازی فرهنگی که طی آن با پذیرش بی چون چرای هنجارهای جهانی به ویژه غربی، استانداردسازی صورت می گیرد، به نیازهای ویژه جامعه یا مدرسه توجه نمی شود. با توجه به جهانی سازی آموزش و پرورش، مسائل فرهنگ اجتماعی بسیار حائز اهمیت اند. دیموک و واکر^۲ (۲۰۰۲)، به مسائل بافتی اشاره کرده و خاطر نشان می سازند که در بررسی و مطالعه سیستم ها و سازمان های آموزشی از "الگوهای بافت شکنانه" احتراز شود. لذا سازمان های آموزشی باید ارزش ها و استنباط های مشترک را به شیوه ملموس تر بیان کنند و به تقاضاهای جدید، مبهم و تهدید کننده به شیوه ای موثرتر پاسخ دهند. تحلیل داده ها در این پژوهش، راهبرد دیگر یاریگر در تحقق فرهنگ تمدن ساز

1. Bottery

2. Dimmock & Walker

اسلامی در نظام تربیتی را آموزش مبتنی بر نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، وضعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی خانواده‌ها، مبتنی بر وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دوستان، نشان داد.

انگیزش: روایت‌ها نشان دادند ارائه تصویر مطلوب از انسان تربیت یافته در تمدن اسلامی، ارائه راهکارهای وضع مطلوب، ارائه نتایج و پیامدهای مطلوب، ارائه الگوی تربیت یافته اسلامی، به عنوان راهبردهای انگیزشی در ایجاد فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی در نظام تربیتی شناخته شدند.

مشارکت ذینفعان: نظام آموزش و پرورش را نمی‌توان محدود به یک دستگاه و وزارتخانه دانست. حتی اعتبار کردن نظام آموزش و پرورش به‌صورت عام همه‌ی ساختارهایی که کارکردی در حوزه آموزش و پرورش انسان‌های جامعه دارند را اعم از دستگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، مؤسسات و مراکز آموزشی و پژوهشی و تبلیغی دولتی و غیردولتی، رسمی و غیررسمی، دینی و اسلامی و در هریک از مقاطع آموزشی دربر می‌گیرد. رویکرد سیستمی اقتضایی چنین نگاه جامعی دارد. در صورتی که بدون چنین رویکردی، نظام آموزش و پرورش کشور دیده شود قطعاً سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و سایر فعالیت‌های مدیریتی دچار مشکل شده و اهداف موردنظر محقق نمی‌گردد. تا زمانی که نظام آموزش و پرورش کشور به‌صورت جامع، تعریف و ترسیم نشود؛ نمی‌توان کارکرد و وظایف اصلی هریک از ساختارهای آن نظام را به‌خوبی تعریف و تعیین نمود. وجود آشفتگی‌ها، تعارض‌ها، تداخل‌ها و پراکنده کاری‌ها و صرف منابع مادی و انسانی فراوان در انجام امور فرهنگی و تبلیغی و آموزش و پرورش کشور و عدم انسجام و هم‌جهتی لازم در میان دستگاه‌های مختلف، ریشه در عدم وجود چنین نگاه سیستمی و عدم ترسیم نظام آموزشی و پرورشی به صورت جامع بوده و هست. نظام آموزش و پرورش حداقل شامل دو زیرسیستم نظام آموزش و پرورش رسمی و نظام آموزش و پرورش غیررسمی است. در این پژوهش نیز، شواهد نشان دادند که مشارکت ذینفعان نظام تربیتی که شامل دولت، موسسه، مدیران، مربی، فراگیر، هستند، از راهبردهای تبیین‌گر به منظور تحقق فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی در نظام تربیتی هستند.

پیامد تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی

در نهایت، پیامد استقرار فرهنگ تمدن ساز اسلامی در نظام تربیتی، ایجاد نظام تربیتی تمدن ساز اسلامی است که ثمره این نظام، تربیت انسان چندساحتی و مبتنی بر مبانی اسلامی است که پرورش همه ابعاد وجودی انسان با تربیت چندساحتی و مجهز به سوادهای ده گانه (سواد اجتماعی، اقتصادی- حرفه ای، سیاسی، علمی، زیست محیطی، فناوری، فرهنگی- هنری، معنوی (دینی و اخلاقی)، بهداشتی، میان فرهنگی (جهانی) حاصل آن است؛ تربیت به معنای وسیع کلمه باید همه ی ابعاد شخصیت فراگیران و لایه های زندگی فردی و اجتماعی آنان را دربرگیرد؛

با توجه به الگوی به دست آمده در این پژوهش، می توان نتیجه گرفت، وقتی در نظام تربیتی، رصد اولیه صورت پذیرد و شناختی همه جانبه از فراگیر، اساتید، مدیران، سبک رهبری و مدیریت آموزشی، شناخت نقاط قوت و ضعف و چالش ها و خلاءها، حاصل شود و با توجه به برنامه درسی به عنوان مقوله ای که بیشترین تاثیر را در فراگیران دارد، در مسیر درونی سازی فرهنگ تمدن ساز اسلامی و ارزش گذاری آن قرار گیرد، به تدریج مسیر تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی فراهم می شود. همینطور اگر به عوامل محیطی موثر که شامل: نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی، وضعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی خانواده ها، وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دوستان، همچنین جو سازمانی و اهداف سازمانی هستند، در تحقق مقوله ی اصلی مدنظر باشد، گرایش و همکاری در این زمینه راحت تر صورت می پذیرد؛ زیرا این مهم، متاثر از بافت و محیط است و در خلاء انجام نمی شود. ضمن اینکه درگیر کردن جامعه و مدنظر قرار دادن آن، سرمایه ی اجتماعی مورد نیاز برای تحقق فرهنگ تمدن ساز اسلامی، ایجاد و تقویت می شود.

در مقایسه ی نتایج به دست آمده با چارچوب ها و فرآیندهای فرهنگ تمدن ساز اسلامی که در بخش پیشینه ی پژوهش اشاره شدند، می توان گفت الگوی به دست آمده، افزون بر تایید کلی نتایج ارائه شده ی قبلی (همت یار و همکاران (۱۳۹۷) و محمدی پور (۱۳۹۹))،

به مقولات بیشتری که در فرآیند ایجاد فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی درگیر هستند، دست یافته است. همچنین می‌توان گفت در الگوی به دست آمده، روابط موجود بین مقولات به شکل توسعه یافته‌تری شناسایی شده است؛ عوامل علی که منجر به تحقق فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی برای نظام تربیتی می‌شود، سنجش آغازین، حاکمیت ارزش و برنامه درسی است و جامعه، جو سازمانی و اهداف سازمانی، ابزار در دسترس دانشجو به عنوان عامل‌های محیطی بر مطلوبیت ایجاد فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی در نظام تربیتی موثر است که چنانچه امور فوق مسیر تحقق را امکان‌پذیر نماید، راهبردهای تقویت بنیه دینی، همراهی با تغییرات، سواد رسانه‌ای، توانمندسازی خانواده، توانمندسازی مدیران و کادر اداری، آموزش مبتنی بر بافت، انگیزش، توانمندسازی معلمان و مشارکت ذینفعان را پیش می‌گیرد که در نتیجه‌ی آنها، فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی شکل می‌گیرد.

در نهایت پیشنهاد می‌شود که بر اساس الگوی به دست آمده در این پژوهش، برای تحقق فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی در نظام تربیتی، آنچه که در این پژوهش، به عنوان راهبرد شناخته شد، در قالب برنامه‌ها و سیاست‌هایی، تدوین و اجرا شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود روابط به دست آمده در این پژوهش، با استفاده از روش‌های کمی در نظام تربیتی و در سطوح مختلف، بررسی و ارزیابی شوند که موضوع جذابی برای پژوهش‌های آتی است.

کتابنامه

بازرگان، عباس. (۱۳۹۹). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته در علوم رفتاری. تهران: دیدار.

بختیاری، حسن. (۱۳۹۱). آموزش‌های دینی زنان مقدمه تربیت دینی فرزندان (مطالعه موردی: زنان شهر تهران). فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم تربیت اسلامی، سال ۱۹، شماره ۱۳، صص: ۷۰-۵۷.

بوش، تونی. (۱۳۹۹). تئوری‌های رهبری و مدیریت آموزشی، ترجمه‌ی محمد حسنی، مریم سامری و نرگس سکوتی، ارومیه: انتشارات دانشگاه ارومیه.

جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۹). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: معارف.
حاجی ده آبادی، محمدعلی (۱۳۹۵). درآمدی بر نظام تربیتی اسلام. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.

خواستار، حمزه. (۱۳۸۸). ارائه‌ی روشی برای محاسبه‌ی پایایی مرحله‌ی کدگذاری در مصاحبه‌های پژوهشی. فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۵، شماره ۵۸، صص: ۱۷۴-۱۶۱.

رحمان‌پور، محمد. (۱۳۹۰). بازاندیشی در معنا، جایگاه، چالشها و آثار عادت دادن در فرایند تربیت اسلامی. ماهنامه معرفت، شماره ۱، صص: ۵۹-۷۲.

رسول زاده اقدم، صمد؛ عدلی پور، صمد؛ میر محمد تبار، سید احمد؛ افشار، سیمین. (۱۳۹۴). تحلیل نقش رسانه‌های اجتماعی در گرایش به سبک زندگی نوین در میان جوانان ایرانی. دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، دوره ۴، شماره ۶، صص ۳۳-۶۰.
سرپرست سادات، سید ابراهیم. (۱۳۹۷). بایسته‌های فرهنگی، نظری و ساختاری شکل‌گیری تمدن اسلامی- ایرانی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۲، صص: ۷۴-۵۱.

کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۴). نکته‌های روانشناختی در تربیت دینی فرزندان. تهران: ستاد اقامه نماز.

لطیفی، میثم؛ سعدآبادی، حسن. (۱۳۹۳). پژوهشی پدیدارشناسانه برای فهم جوهره مدیریت جهادی. فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۲۸، صص: ۹۱-۱۲۲.

محمدی پویا، فرامرز. (۱۳۹۹). تربیت زمینه ساز تمدن نوین اسلامی با تاکید بر اندیشه مقام معظم رهبری دام‌ظله. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۸، شماره ۴۶ (۱): ۱۰۳-۱۲۴.

مرزوقی، رحمت اله؛ جهانی، جعفر؛ ترک‌زاده، جعفر؛ امیری طیبی، مسلم. (۱۳۹۷). الگوی مفهومی تعامل مدرسه، خانواده و مسجد از منظر تعلیم و تربیت اسلامی. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال ۲۱، شماره ۷۹، صص: ۸۱-۱۱۳.

مرزوقی، رحمت اله؛ جهانی، جعفر؛ ترک‌زاده، جعفر؛ امیری طیبی، مسلم. (۱۳۹۷). الگوی مفهومی تعامل مدرسه، خانواده و مسجد از منظر تعلیم و تربیت اسلامی. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال ۲۱، شماره ۷۹، صص: ۸۱-۱۱۳.

نجفی، ابراهیم؛ احمدی، حسین. (۱۳۹۱). اهمیت، نقش و کارکرد خانواده از دیدگاه اسلام و بررسی جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *مجله خانواده و پژوهش*، شماره ۱۴، ص: ۳۰-۷.

نجفی، ابراهیم؛ احمدی، حسین. (۱۳۹۱). اهمیت، نقش و کارکرد خانواده از دیدگاه اسلام و بررسی جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *مجله خانواده و پژوهش*، شماره ۱۴، ص: ۳۰-۷.

هاشمی، شهناز. (۱۳۹۳). بررسی نقش رسانه در نظام تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: تاکید بر ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای. *فصلنامه رسانه*، سال ۲۵، شماره ۴، صص: ۱۸-۵.

همت‌یار، میربشیر؛ نوروزی، رضا؛ اشرفی، فرشید؛ درویشی، زین‌العابدین؛ شیخ‌کانلوی میلان، امین. (۱۳۹۸). بررسی میزان انعکاس مفاهیم "سبک زندگی تمدن‌ساز اسلامی ایرانی پیشرفت" در محتوای کتاب‌های دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی. *فصلنامه پویش در آموزش علوم تربیتی و مشاوره*، دوره ۵، شماره ۱۰، صص: ۲۳-۲.

یزدیان، امیر (۱۳۹۰). سواد رسانه‌ای انتقادی: بررسی موردی سطح سواد رسانه‌ای دانشجویان کارشناسی ارشد تحقیق در ارتباطات دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.

Ahmed, A., & Nulland, Y.V. (2016). How to assess your organization's quality Culture. *Journal of Organizational Change Management*, 2(5), 82-98.

Baylis, J. & Steve Smith. (1997). *Globalization of World Politics*. London: Oxford University Press.

Burke, W. W. (2002). *Organization change management: Theory and practice* (3rd Ed). California: Sage publications.

Cohen, L; Manion, L; Morrison, K. (2011). *Research methods in education* (7th Ed). New York: Routledge Falmer.

Dimmock, c; and Walker, A. (2002). School Leadership in context societal and organizational culture, in T. Bush and L. Bell (Eds), *The Principles and Practice of Educational Management*, London: Paul Chapman Publishing.

Holloway, I., & Wheeler, S. (2010). *Qualitative research in nursing and healthcare*. Oxford, UK: Blackwell.

James, P.(2014).Aligning and Propagating Organizational Values. *Procedia Economics and Finance*, 11(3), 95-109.

Pant,A.,&Ojha,A.K.(2017).Managerial Values and organizational identities in the developing world: An introduction to the special issue. *Journal of Human Values*, 23(1), vii–xii.

Strauss, A.L. & Corbin, J. (2008). *Basics of qualitative research*. Translated by Mohammadi, B., Tehran: Human Science & Cultural Studies Center Publication. (In Persian).